

Original Article

Received: 2024/01/11

Accepted: 2024/12/25

Rhetorical Figures in the Verse Endings of Surah Ibrahim

Aliasghar Akhondy^{1*} 

1. Department of Islamic Studies, Faculty of Industrial Engineering & Management, Shahrood University of Technology, Shahrood, Iran

EXTENDED ABSTRACT

Purpose and Introduction: This article seeks to analyze and identify the rhetorical devices employed in the verse endings (fawasil) of Surah Ibrahim and to elucidate the significance of these fawasil in the eloquence of the Holy Quran. The eloquence of the Holy Quran, as a miraculous attribute and a technique of captivating the audience, has garnered historical attention. This trait is seen in all verses of the Quran; nevertheless, the fawasil, serving as a beautiful conclusion, hold particular significance and must exhibit a distinctive beauty to resonate with the listener's heart and spirit. This study aims to address the essential inquiries regarding the placement of fawasil within the rhetoric of the Quran and the rhetorical tactics utilized in the concluding verses of Surah Ibrahim.

Methodology: This study employed a descriptive-analytical methodology. Initially, by analyzing pertinent sources and texts, essential ideas such as fasila, rhetoric, and rhetorical figures were delineated and elucidated. The literature was reviewed to analyze the placement of poem endings within rhetorical and interpretative sciences. The fawasil of Surah Ibrahim were examined as a representative sample of Quranic verses. The rhetorical devices employed in the fawasil of this surah were classified and examined according to the three branches of rhetoric: Ma'ani, Bayan, and Badi'. The research was grounded in classical and modern interpretative and rhetorical sources.

Results: This research reveals that many rhetorical strategies are utilized throughout the 52 verses of Surah Ibrahim, each enhancing the beauty and significance of the divine message. Among the most significant of these devices are: The Science of Badi' (Rhetorical Ornamentation): Tasdir (Repetition), Tawshih (Embellishment), Ighal (Intensification), and Tamkin (Establishment). The Science of Ma'ani (Meaning): Emphasis, Fronting and Delaying, Imperative, Iltifat (Pronoun Shifting), Restriction, Wish and Hope, Praise and Blame. The Science of Bayan (Eloquence): Simile, Majaz (Metonymy), Metaphor, and Kinayah (Understatement). According to these three disciplines of rhetoric, several significant conclusions are as follows: Within the Badi' category: The Tasdir approach, wherein the rhyming word (fasila) corresponds to a word at the onset or midpoint of the verse, enhances the harmony and coherence of the text, both phonetically and semantically. Tawshih in the rhyming intervals establishes a robust linkage between the commencement and conclusion of the verses. Moreover, the Tamkin approach, which structures the framework of the verse to ensure the conclusion harmoniously coincides with its content, amplifies the aesthetic and emotional resonance of the word. In the Ma'ani category, Emphasis and Fronting/Delaying are strategies that enhance the beauty and impact of the text. The use of particles such as "inna," "anna," and the "lam of emphasis" reinforces meaning for the listener, while Fronting and Delaying, by altering word order, augment the stylistic elegance and expressiveness of the phrasing. In the Bayan category, Simile and Majaz are tactics that render abstract concepts concrete and enhance audience comprehension. The metaphors employed in the intervals of this Surah, together their literary elegance, convey profound meanings to the audience. Consequently, within the rhyming sections of Surah Ibrahim, there are 11 occurrences of Tasdir, 5 occurrences of Tawshih, 7 occurrences of Ighal, and instances of Tamkin throughout all verses of the Surah. Additionally, the rhetorical devices pertaining to the science of meaning (Ma'ani) encompass stress in 22 verses, fronting and delaying in 19 verses, imperatives in 4 verses, expressions of wish and hope in 2 verses, blame in 2 verses, restriction in 2 verses, and iltifat in 4 verses. The approaches pertaining to the science of speech encompass Simile in 2 verses, Majaz and Metaphor in 4 verses, and Kinayah in 1 verse.

Discussion and Conclusion: This research illustrates that the verse endings (fawasil) of Surah Ibrahim, as an integral component of the Quran's rhetorical framework, significantly contribute to the transmission of concepts and the persuasion of the audience. The employment of rhetorical devices (badi'), figures of speech (ma'ani), and eloquence (bayan) in these conclusions amplifies their aesthetic appeal, clarity, and semantic richness, so reinforcing the divine message in the minds and hearts of the audience. The variation in the structure and shape of the fawasil illustrates the expression of the message tailored to the setting and the audience, a fundamental aspect of rhetoric. The study's findings affirm that the Holy Quran, regarded as the divine word, exhibits exceptional eloquence (fasahah) and rhetoric (balaghah), with each segment, including verse endings, employing diverse literary and rhetorical techniques to optimally fulfill its instructive and guiding purpose. This enhances the literary and artistic merit of the Quran while facilitating a more profound and effective comprehension of its message. The comprehensive and meticulous construction of rhetorical devices guarantees that the holy message is embellished and conveyed with optimal rhetorical attributes, maximizing its influence on the Quran's audience.

Keywords: verses intervals, Surah Ibrahim, Rhetorical industries, innovative knowledge, The rhetoric of intervals.

How to cite this article:

Akhondy, Aliasghar, 2024-2025, "Rhetorical Figures in the Verse Endings of Surah Ibrahim", *Arabic Literature Criticism*, 15, 2 (29): pp. 1-19.

*corresponding Author Email Address: Ali15as51@shahroodut.ac.ir

DOI: 10.48308/jalc.2024.234416.1293



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

علی اصغر آخوندی*¹

بازیابی صور بلاغی در فواصل آیات سوره ابراهیم

چکیده مبسوط

هدف و مقدمه: این مقاله با هدف بررسی و شناسایی صور بلاغی به کار رفته در فواصل آیات سوره ابراهیم و تبیین جایگاه این فواصل در بلاغت قرآن کریم تدوین شده است. فصاحت و بلاغت قرآن کریم، به عنوان یکی از وجوه اعجاز و ابزارهای تأثیرگذاری آن بر مخاطبان، در طول تاریخ مورد توجه بوده است. اگرچه این ویژگی در تمام آیات قرآن جاری است، اما فواصل آیات، به عنوان حسن ختام، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باید از زیبایی و جمال منحصر به فردی بهره‌مند باشد تا محتوای آیه به نحو مؤثری در جان و دل شنونده نفوذ کند. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات اساسی است که جایگاه فواصل در بلاغت قرآن چگونه است و چه صنایع بلاغی در فواصل آیات سوره ابراهیم به کار رفته است؟

روش شناسی: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. بدین ترتیب که ابتدا، با بررسی منابع و متون مرتبط، مفاهیم کلیدی مانند فاصله، بلاغت و صنایع بلاغی تعریف و تبیین شده است. سپس، با مرور ادبیات موضوع، جایگاه فواصل آیات در علوم بلاغی و تفسیری بررسی شده و آنگاه فواصل سوره ابراهیم به عنوان نمونه‌ای از آیات قرآن تحلیل شده است. صنایع بلاغی به کار رفته در فواصل این سوره بر اساس سه دانش بلاغی (معانی، بیان و بدیع) دسته‌بندی و تحلیل شده است. منابع تفسیری و بلاغی کلاسیک و معاصر نیز به عنوان مبنای نظری پژوهش استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که، در فواصل ۵۲ آیه سوره ابراهیم، طیف گسترده‌ای از صور بلاغی به کار رفته است که هر یک به نحوی به زیبایی و اثرگذاری کلام الهی کمک کرده است. از جمله مهم‌ترین این صنایع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: دانش بدیع: تصدیر، توشیح، ایغال و تمکین. دانش معانی: تأکید، تقدیم و تأخیر، امر، التفات، حصر، تمنی و ترجی، مدح و ذم. دانش بیان: تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه. بر اساس این سه دانش برخی یافته‌های کلیدی عبارت است از: در صنایع بدیعی: صنعت تصدیر که در آن کلمه فاصله با کلمه‌ای در ابتدا یا میانه آیه مطابقت دارد، به هماهنگی و انسجام صوتی و معنایی کلام کمک می‌کند. توشیح در فواصل باعث ارتباط قوی بین ابتدا و انتهای آیات می‌شود. همچنین، صنعت تمکین که در آن زمینه آیه به گونه‌ای فراهم می‌شود که بخش پایانی آن به خوبی با مضمون آیه تناسب داشته باشد، به زیبایی و اثرگذاری کلام می‌افزاید. در دانش معانی: تأکید و تقدیم و تأخیر از جمله صنایعی هستند که به زیبایی و اثرگذاری کلام کمک می‌کنند. تأکید با استفاده از ادواتی مانند «إِنَّ» و «أَنَّ» و «لَا» تأکید به تثبیت معنا در ذهن مخاطب کمک می‌کند، در حالی که تقدیم و تأخیر با تغییر جایگاه کلمات در جمله به زیبایی اسلوب و شیوایی تعبیر می‌افزاید. در علم بیان، تشبیه و مجاز از جمله صنایعی است که به ملموس‌سازی مفاهیم انتزاعی و نزدیک‌تر کردن آنها به ذهن مخاطب کمک می‌کند. استعاره‌های به کار رفته در فواصل این سوره، علاوه بر زیبایی‌های ادبی، باعث انتقال معانی عمیق‌تری به مخاطب شده است. بدین ترتیب، در فواصل آیات سوره ابراهیم، ۱۱ مورد «تصدیر»، ۵ مورد «توشیح»، ۷ مورد «ایغال» و در همه آیات سوره «تمکین» مشاهده می‌شود. همچنین، صنایع بلاغی مربوط به علم معانی شامل تأکید در ۲۲ آیه، تقدیم و تأخیر در ۱۹ آیه، امر در ۴ آیه، تمنی و ترجی در ۲ آیه، ذم در ۲ آیه، حصر در ۲ آیه و التفات در ۴ آیه است. در نهایت، صنایع مربوط به علم بیان شامل تشبیه در ۲ آیه، مجاز و استعاره در ۴ آیه و کنایه در ۱ آیه شناسایی شده است.

بحث و نتایج: این پژوهش نشان داد که فواصل آیات سوره ابراهیم، به عنوان بخشی مهم از ساختار بلاغی قرآن کریم، نقش بسزایی در انتقال مفاهیم و تأثیرگذاری بر مخاطب دارد. استفاده از صنایع بدیع، معانی و بیان در فواصل آیات موجب افزایش زیبایی و رسایی و عمق معنایی این بخش‌ها می‌شود و به تثبیت پیام الهی در ذهن و قلب شنوندگان کمک می‌کند. تنوع ساختار و شکل فواصل نشان از بیان مطلب بر اساس مقتضای حال مخاطب و تأثیرگذاری آن دارد که مهم‌ترین ویژگی بلاغت است. به طور کلی، نتایج این تحقیق مؤید این نکته است که قرآن کریم، به عنوان کلام الهی، از چنان سطح بالایی از فصاحت و بلاغت برخوردار است که هر جزء آن، از جمله فواصل آیات، با بهره‌گیری از انواع صنایع ادبی و بلاغی، به بهترین شکل ممکن به ایفای نقش هدایتی و تربیتی خود می‌پردازد. این امر نه تنها بر غنای ادبی و هنری قرآن می‌افزاید، بلکه به درک عمیق‌تر و مؤثرتر پیام آن نیز کمک می‌کند. طرح گسترده و دقیق ابزارهای بلاغی موجب شده است تا کلام الهی به بهترین ویژگی‌های بلاغی آراسته و ارائه گردد و بیشترین اثرگذاری را بر مخاطب قرآن بر جای گذارد.

واژگان کلیدی: فواصل آیات، سوره ابراهیم، صنایع بلاغی، بلاغت فواصل، علوم بلاغی.

استناد به این مقاله: آخوندی،

علی اصغر، پاییز و زمستان ۱۴۰۳ش،

«بازیابی صور بلاغی در فواصل آیات

سوره ابراهیم»، پژوهشنامه نقد ادب

عربی، ش ۲ (پیاپی ۲۹)، ۱۵ص،

صص ۱-۱۹.

*corresponding Author Email Address: Ali15as51@shahroodut.ac.ir

DOI: 10.48308/jalc.2024.234416.1293



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.

۱. مقدمه

فصاحت و بلاغت از وجوه تحدی و اعجاز قرآن کریم است که انس و جن را به هموردی طلبیده است. اگر کسی حتی در الهی بودن قرآن تردید به خود راه دهد، در اینکه این کلام در اوج فصاحت و ستیغ بلاغت است، نمی‌تواند تردید کند. از ابزارهای این کتاب هدایت، برای تأثیرگذاری در دل و جان مخاطبانش همین شیوایی و رسایی سخن است. این ویژگی در جزء جزء کلام الهی جریان دارد و نمی‌توان جایی از آن را یافت که از فصاحت و بلاغت بی‌بهره باشد، اما پایان آیات که آن را «فواصل» می‌خوانند، اوج تجلی بلاغت قرآن است، زیرا هر اندازه حسن ختام زیباتر باشد، تأثیرگذاری آن چند برابر می‌گردد. تنوع ساختار و شکل فواصل نشان از بیان مطلب بر اساس مقتضای حال مخاطب و تأثیرگذاری آن دارد که مهم‌ترین ویژگی بلاغت است و به همین جهت است که فواصل آیات سوره‌های مکی و مدنی و حتی در آیه‌های یکسان، در سوره‌ها و سیاق‌های مختلف، متفاوت است. دکتر بنت‌الشاطی معتقد است که فواصل قرآنی با دلالت‌های معنوی حساس و نظم منحصر به فردی که در ضرب‌آهنگ درخشانش وجود دارد، هنر زیبایی بلاغت را تجلی می‌بخشد (بنت‌الشاطی، بی‌تا: ۲۷۸). زحیلی در تفسیر خود فواصل را به دلیل تأثیری قوی که بر جان‌ها می‌گذارد، از نشانه‌های بلاغت معرفی می‌کند (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۱۵۱۰). با این حال شایسته است این زیبایی و جمال نهفته در فواصل برای همگان آشکار شود. لذا دو پرسش اساسی در پژوهش پیش‌رو مطرح است. یکی اینکه کدام صور بلاغی - از میان دانش‌های معانی، بیان و بدیع - فواصل آیات در سوره ابراهیم را به خود آراسته است؟ دیگر آنکه این صور بلاغی چگونه موجبات فاخر شدن و تمایز و اثرگذاری فواصل این سوره را فراهم آورده‌اند؟ نویسندگان در این مقال کوشیده است، به روش توصیفی - تحلیلی، پاسخ‌های روشن و تحلیلی ارائه نماید تا پرده از حسن و جمال آن فروافتد.

۱-۱. پیشینه

موضوع فواصل در برخی کتاب‌های بلاغت و علوم قرآنی مورد توجه واقع شده است. در دوران معاصر در جهان عرب تک‌نگاری‌هایی مانند الفواصل از دکتر حسین نصار، الفاصلة القرآنية از عبدالفتاح لاشین، فاصلة في القرآن از محمد الحسنوی، الفواصل القرآنية از سیدخضر، الدلالات المعنوية لفواصل الآيات القرآنية از جمال محمود ابوحسان به چاپ رسیده است. در فارسی تحقیق زیادی صورت نگرفته است به گونه‌ای که می‌توان فقط به دو کتاب بلاغت و فواصل از جواد طاهرخانی و فواصل، حُسن ختام آیات به قلم علی اصغر آخوندی اشاره کرد که آنها نیز به مباحث کلی این موضوع پرداخته و وارد مباحث جزئی سوره‌ها نشده‌اند. همچنین می‌توان به مقالاتی مانند «بازشناسی کارکردهای تفسیری فاصله»، «رهیافتی به رابطه فاصله با قافیه و سجع»، «بررسی ساختارشناسانه و تحلیل آماری فواصل قرآنی»، «بازیابی جهات اهمیت فواصل قرآنی» از نگارنده پژوهش حاضر، «درنگی بر آواشناسی فاصله آیات در سوره نبأ» نوشته محسن سیفی و منصوره طالبیان و مر ضیه شاددل، «فراهنجارهای ادبی در فواصل آیات و تفسیرهای زیباشناسانه و معناشناسانه آن» نوشته حسن خرقانی در این زمینه اشاره کرد که البته به موضوع مورد بحث در این مقاله نپرداخته‌اند. بدین سان به نظر می‌رسد در زمینه صور بلاغی فواصل و حتی آیات سوره ابراهیم تحقیق دیگری انجام نشده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. فاصله

کلمه فاصله اسم فاعل از ریشه «فصل» به معنای چیزی است که با جداسازی دو قسمت از یکدیگر باعث تمییز دادن و آشکار شدن آنها می‌گردد (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۱۲۶؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۴: ۵۰۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۵۲۱). همان‌گونه که فیروزآبادی (۱۴۲۶ق، ج ۱: ۱۰۴۲) گفته است: «فصل دیوار بین دو چیز است و محل به هم پیوستگی دو استخوان از بدن مفصل

است. «فاصله» مهره‌ای است که بین دو مهره دیگر در یک رشته قرار می‌گیرد و نظم موجود را از هم جدا می‌سازد».

در تعریف اصطلاحی فاصله در دیدگاه‌های دانشمندان علم بلاغت و علوم قرآنی، اختلاف نظرهایی دیده می‌شود. رمانی و باقلانی آن را حروف همگون پایان آیات دانسته‌اند که باعث فهم بهتر معنا می‌شود (رمانی، ۱۳۸۷ق: ۹۷؛ باقلانی، ۱۹۹۷م: ۶۱) برخی به اواخر آیات فاصله گفته‌اند، بی‌آنکه منظور حرف را مشخص سازند اینکه واژه یا جمله آخر آیه است (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۳۹۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۱؛ ۵۲۴). زرکشی (۱۴۱۵ق: ۱؛ ۱۴۹) و سیوطی (بی‌تا، ج ۲: ۲۶۶) فاصله را کلمه آخر آیه مانند قافیه در شعر و سجع در نثر معرفی می‌کنند. همچنین گفته شده: «فاصله توافق حروف پایانی آیات در حروف روی یا وزن است» (حسناوی، ۱۴۰۶ق: ۲۹).

این تعاریف گرچه در نوع خود صحیح است، اما به دلیل تنوع و تعدد صور فاصله در قرآن شامل همه فواصل لفظی و دلالتی نمی‌شود و جامع و مانع نیست. از این رو، با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، می‌توان تعریفی دقیق‌تر ارائه کرد: «فاصله دارای دو جنبه صوتی و دلالتی است. فواصل، از جنبه صوتی، حروف پایانی آیات هستند که به آیات یک سوره نظم و آهنگی خاص می‌بخشند و، از جنبه دلالتی، عبارات و جملات پایانی و مستقل برخی آیات‌اند که دارای اهداف خاصی بوده و با مفاد و محتوای آیه خود ارتباط معنایی قوی و وثیقی دارند» (آخوندی، ۱۴۰۲: ۳۱؛ ۱۳۹۵: ۸۱-۹۶). در این تحقیق، فواصل از هر دو جهت مورد توجه بلاغی قرار می‌گیرد.

۲-۲. بلاغت

بلاغت از ریشه «بلغ» به معنای رسیدن است و بلاغت در سخن نیز به معنای رسیدن به هدف موردنظر در گفتار یا رساندن معنا در بهترین ساختار زبانی به نحوی آشکار است (نک: راغب اصفهانی، بی‌تا: ۵۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۸؛ ۴۲۰؛ عسکری، ۱۳۹۵ق: ۳۰). در مفهوم اصطلاحی نیز بلاغت گاه عنوان یک دانش از شاخه‌های علوم ادبی زبان عربی است و گاه به سان اصطلاح بلیغ در و صف

گونه خاصی از سخن یا گوینده آن به کار می‌رود (تفتازانی، ۱۳۷۶: ۱۴ و ۲۳). همچنین بلاغت به معنای درستی و شیوایی سخن و همراهی آن با مقتضای حال نیز آمده است. سخن بلیغ آن است که افزون بر ویژگی‌های فصاحت و ساختارهای گوناگون زبان در موقعیت‌های مناسب آن به کار رفته باشد؛ برای مثال در مکان مناسب از تأکید، تکرار، گزیده‌گویی و زیاده‌گویی و ... استفاده شده باشد (همان: ۲۵). دانش بلاغت از دانش‌های کاربردی به شمار می‌رود که هدف از آن مزیت بخشیدن به سخن یا مصونیت آن از اشتباهات غیر دستوری است که گاه به شیوه بیان معانی و گاه به شیوه هماهنگی سخن با موقعیت بیان آن و گاه به شیوه گزینش کلمات مربوط می‌شود. این سه شاخه به ترتیب در دانش‌های بیان، معانی و بدیع بحث می‌شوند (تفتازانی، ۱۳۷۶: ۲۵).

منظور از بلاغت در فواصل، در این پژوهش، صنایع بلاغی به کاررفته در فواصل مثل تشبیه، استعاره، تقدیم و تأخیر و تأکید در علم بیان و تصدیر، توشیح، ایغال و تمکین در علم بدیع است.

۳. سوره ابراهیم

سوره ابراهیم، که در ترتیب مصحف چهاردهمین سوره و دارای ۵۲ آیه است، هفتاد و دومین سوره و بعد از سوره نوح در سال‌های دهم و یازدهم بعثت در مکه نازل شده (نک: ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق: ۱۲؛ ۲۱۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۵؛ رضایی، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۲۵) و اهداف اساسی سوره ابراهیم بیان مسائلی درباره توحید، رسالت، معاد و حساب‌رسی و کيفر اعمال در قیامت است. البته سوره‌های مکی عمدتاً به اصول عقاید و مبانی اساسی دین می‌پردازند (رضایی، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۲۶).

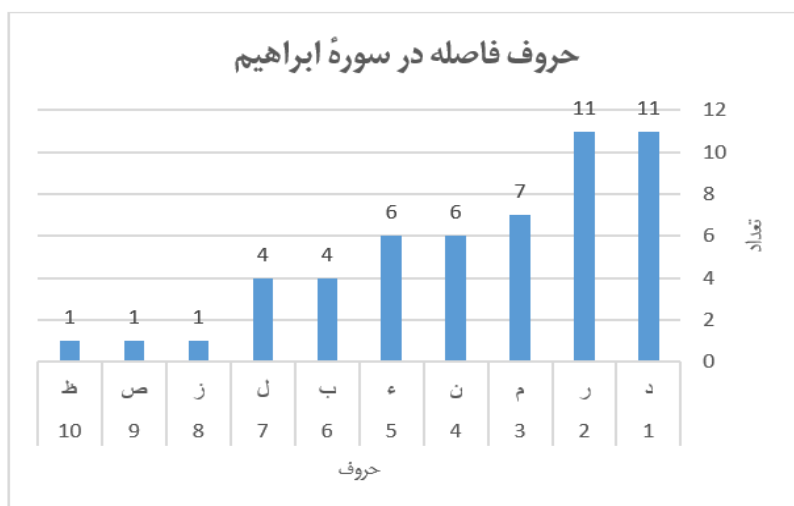
۳-۱. ساختارشناسی فواصل سوره ابراهیم

از مباحث مهم در بررسی فواصل یک سوره، واکاوی ساختار حروف، کلمات و جملات پایانی آیات است. فواصل آیات شامل سه ساختار «حرف فاصله»، «کلمه فاصله» و «جمله فاصله» می‌شود (نک: آخوندی و ربیعی، ۱۳۹۹: ۵۳-۸۰؛ آخوندی، ۱۴۰۲: ۸۱-۱۰۹).

۲-۳. حروف فاصله در سوره ابراهیم

سوره ابراهیم گرچه در بخش سوره‌های مئین قرار دارد و فقط ۵۲ آیه دارد، اما از سوره‌هایی است که دارای حرف فاصله فراوان است.

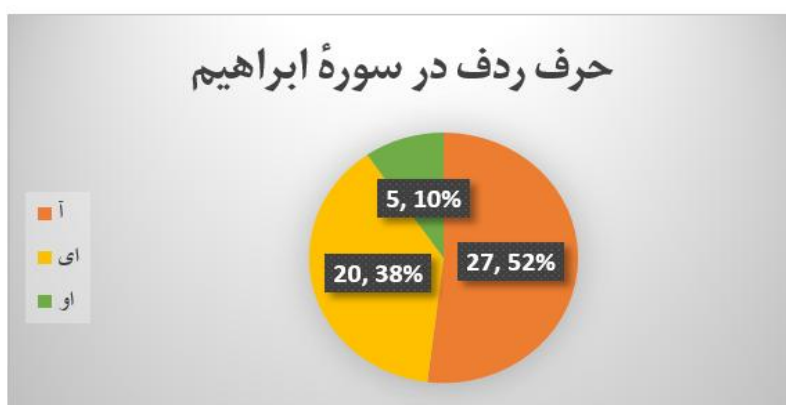
یعنی ۱۰ حرف در پایان آیات آن قرار گرفته است که بسامد آن را در نمودار ذیل می‌توان دید:



۳-۳. حرف ردف در فاصله

حروف مدی «ا» (ماقبل مفتوح)، «و» (ماقبل مضموم) و «ی» (ماقبل مکسور) را که پیش از حرف فاصله (زوی) قرار می‌گیرد، حرف ردف می‌نامند (رازی، ۱۳۸۸: ۲۷۳؛ اتابکی، ۱۳۹۱، ج: ۱: ۱۳۵۲). در تمام قرآن (ای) یای مدی ۵۳ درصد، (او) واو مدی ۳۹ درصد و (آ) الف مدی ۸ درصد قبل از حرف فاصله به کار رفته‌اند؛ اما در سوره ابراهیم حرف (آ) بسامد بیشتری دارد:

در پاسخ به این پرسش که چه دلیلی برای تنوع حروف فاصله در یک سوره می‌توان ارائه داد؟ گفته شده است که دلایل تغییر و تنوع در فواصل عبارتند از: رفع خستگی قاری و مستمع و ایجاد نشاط در آنها؛ جلوگیری از اضطراب در سجع و تکلف در حروف متماتل یا متقارب؛ توجه و عنایت بیشتر به آیه دارای حروف متفاوت؛ تنوع به دلیل شرایط معنایی آیه (نک: آخوندی و ربیعی، ۱۳۹۹: ۵۳-۸۰؛ آخوندی، ۱۴۰۲: ۸۱-۱۰۹).

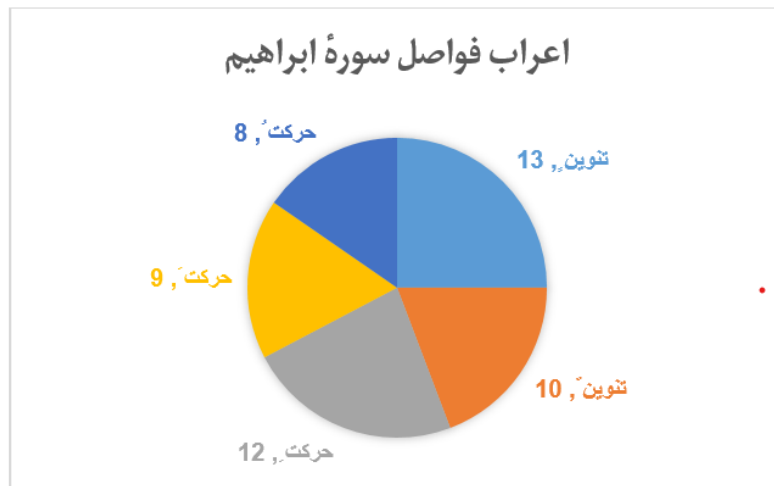


در دل و جان چگونه است (سیبویه، بی تا: ۳۸۴).

با توجه به طبیعت حروف مدی، استعمال آنها قبل از حرف فاصله تأثیر بسزایی در موسیقی و ترنم و تنگیم فواصل دارد. پایان یافتن فواصل آیات با حروف مد و لین و الحاق حروف «ن»، «م»، «ل»، «ر» و «ب» همه برای آن است که با استفاده از طبیعت این حروف و آواز و ترنم حاصل شده از آنها شور و نشاط و طربی در خواننده و شنونده ایجاد شود و روشن است که تأثیر این شور و نشاط

۳-۴. اعراب فواصل سوره ابراهیم

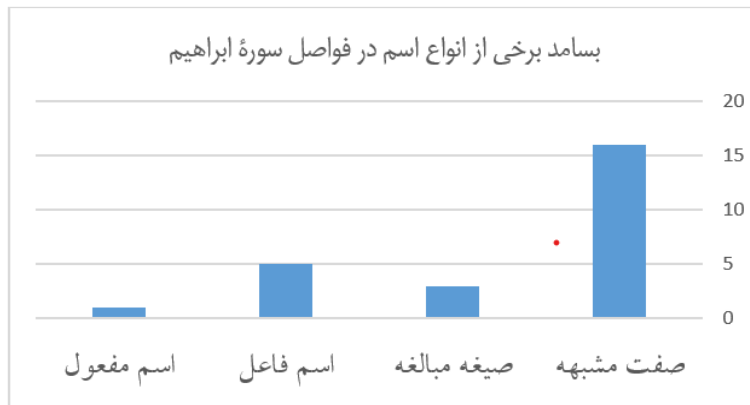
اعراب پایانی آیات در این سوره را می توان در نمودار ذیل مشاهده کرد:



۳-۵. کلمه فاصله

یَسَاءُ (۲۷) و یَشْكُرُونَ (۳۷) در سوره ابراهیم به کار رفته و بقیه کلمات فاصله آیات را اسم تشکیل می دهد که بسامد برخی از انواع آن در نمودار ذیل قابل ملاحظه است:

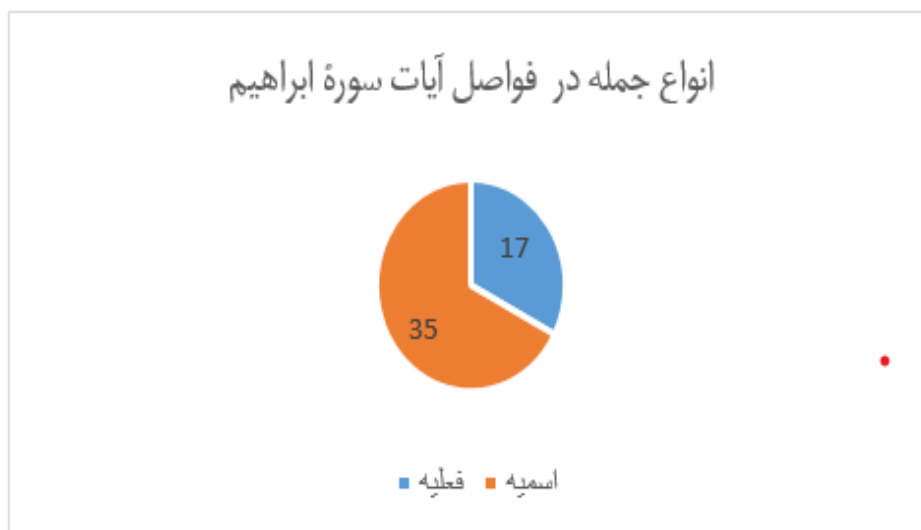
به آخرین کلمه آیه «کلمه فاصله» گفته می شود. با بررسی کلمات فاصله مشاهده می شود که فقط سه فعل مضارع یَتَذَكَّرُونَ (۲۵)،



۳-۶. جمله فاصله

منظور از «جمله فاصله» جمله یا عبارت پایان آیه است که گاهی مستقل از بقیه آیه بوده و وابستگی معنایی به ما قبل ندارد؛ مانند: (فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ) (ابراهیم، ۸) و گاهی مستقل نبوده و برای

درک معنا و تفسیر بهتر آن‌ها باید به ما قبلشان رجوع کرد؛ مانند: (أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ) (ابراهیم، ۳). جمله فاصله را در یک دسته‌بندی کلی به دو دسته جمله اسمیه و فعلیه نیز می‌توان تقسیم‌بندی کرد:



با بررسی جملات پایانی آیات سوره ابراهیم به نکات ذیل دست می‌یابیم:

- فاصله ۱۱ آیه با «إِنَّ» آغاز شده است؛ مانند: (إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ) (۵۱) که عبارتند از: (۵)، (۷)، (۸)، (۹)، (۲۲)، (۳۰)، (۳۴)، (۳۶)، (۳۹)، (۴۷)، (۵۱).
- فاصله یک آیه با «هو» شروع شده است: (وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (۴).
- فاصله یک آیه نیز با «وَبَلَّغَ» آغاز شده است: (وَوَبَّأَهُ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ) (۲).
- فواصل دو آیه با «لَعَلَّ» شروع شده است که عبارتند: (لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ) (۲۵)، (لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ) (۳۷).

صفات حسناى الهى است. در پایان ۸ آیه از فواصل سوره ابراهیم اسماء و صفات حسناى الهى آمده است که عبارتند از:

- (إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ) (۱)
 (وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (۴)
 (فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ) (۸)
 (فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (۳۶)
 (إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ) (۳۹)
 (إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ) (۴۷)
 (وَبَرُّوْا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ) (۴۸)
 (إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ) (۵۱)

از میان اسماء و صفات الهی، صفت «حمید» دو بار در پایان آیات و صفت «عزیز» نیز سه بار به‌عنوان صفت ما قبل آخر آیه، همچنین واژه «الله» ۸ بار و «رَبِّ» نیز ۳ بار در جمله فاصله به کار رفته است.

۳-۷. اسماء و صفات الهی در فواصل سوره

از موضوعات بسیار مهم و قابل توجه، در بحث فواصل، اسماء و

۴. فواصل آیات از دیدگاه علم بدیع

صنایع بلاغی یا فنون بلاغت مشتمل بر سه فن است؛ معانی، بیان و بدیع. بدیع در لغت به معنای چیز تازه و نوظهور. موضوع علم بدیع سخن ادبی فصیح و بلیغ است و آنچه را سبب زینت کلام بلیغ شود، محسنات و صنایع بدیع نامند که به دو قسم لفظی و معنوی تقسیم می‌شود. در صنعت لفظی مانند سجع، زینت و زیبایی کلام وابسته به الفاظ است. به بیان دیگر، اگر لفظ با حفظ معنا تغییر یابد آن وجه زیبایی کلام زائل می‌شود. در صنعت معنوی مانند حسن تعلیل، زیبایی کلام مربوط به معنا است نه لفظ. بنابراین، اگر لفظ با حفظ معنا تغییر یا بد با آن زیبایی پابرجا خواهد بود (همایی، ۱۳۶۳ق، ج: ۱، ۸-۳۸)، اما ابن ابی‌الاصبح (۱۳۶۸: ۱۳۶-۱۸۳) در ارتباط فاصله با علم بدیع معتقد است که ارتباط فاصله با آیه خود منحصرأ در یکی از چهار گونه: تصدیر، توشیح، ایغال و تمکین امکان‌پذیر است (نک: آخوندی، ۱۴۰۲: ۱۷۵-۲۰۷؛ ۱۳۹۸: ۷-۳۴). این سخن موردپذیرش علمای علم بلاغت قرار گرفته است. اکنون ما نیز به پیروی از ابن ابی‌الاصبح فواصل سوره ابراهیم را در این چهار گونه بررسی می‌کنیم:

۴-۱. تصدیر

تصدیر که برخی آن را «رد العجز علی الصدر» نیز نامیده‌اند و به کلام ابهت و عظمت داده و لباسی از لطافت بر آن می‌پوشاند (قیروانی، ۱۴۰۱ق، ج: ۲، ۳) آن است که واژه فاصله عیناً در آیه آمده باشد و ختم کلام با عبارتی باشد که در قسمت قبل از آن مورد استفاده قرار گرفته است (ابن ابی‌الاصبح، ۱۳۶۸: ۱۳۶-۱۸۳؛ نک: آخوندی، ۱۴۰۲: ۱۷۶-۱۷۹؛ ۱۳۹۸: ۷-۳۴). ابن معتز (۱۴۱۰ق: ۲۴۷-۲۹۶) تصدیر را شامل سه قسم می‌داند:

۱. کلمه آخر آیه (کلمه‌ای در جمله فاصله) با کلمه‌ای در اوایل آیه موافقت و مطابقت داشته باشد، مانند:

(وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْنُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ) (۱۲)

در این آیه کلمات «فَلْيَتَوَكَّلِ» و «الْمُتَوَكِّلُونَ» در جمله فاصله با کلمه «نَتَوَكَّلِ» که در ابتدای آیه آمده است، موافقت و مطابقت دارد؛ آیات زیر نیز بدین گونه است:

(وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ) (۳۳)

«وَسَخَّرَ لَكُمْ» در جمله پایانی آیه با «وَسَخَّرَ لَكُمْ» در ابتدای آیه مطابقت دارد.

(فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفاً وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ) (۴۷)

(لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ) (۵۱)

در این دو آیه واژه «اللَّهُ» در جمله پایانی با «اللَّهُ» در ابتدای آیه هماهنگ است.

۲. کلمه آخر آیه (جمله فاصله) با یکی از کلمات میانه آن موافقت داشته باشد؛ مانند:

(قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ) (۱۱)

(وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْنُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ) (۱۲)

در این دو آیه واژه «اللَّهُ» در جمله فاصله با «اللَّهُ» که در اواسط آیه آمده است، موافقت دارد.

(أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ) (۱۹)

واژه «بِخَلْقٍ» در جمله فاصله با «خَلَقَ» در اواسط آیه هماهنگی دارد.

۳. کلمه آخر آیه یا کلمه‌ای در جمله فاصله با یکی از کلمات اواخر قسمت قبل از فاصله موافقت و هماهنگی داشته باشد، مانند:

(وَلَنَسْكَنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي

بر آخرت مقدم بدارد و آن را دوست داشته باشد در گمراهی دور و درازی است.

(وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُئِلْنَا وَلَدَخْبِرْنَا عَلَى مَا آدَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ) (۱۲)

این آیه، علاوه بر اینکه در صنعت تصدیر نیز قرار دارد، نمونه خوبی برای توشیح نیز هست. سؤال ابتدای آیه که چرا نباید بر خدا توکل کنیم؟ با این پاسخ در پایان آیه جواب داده می‌شود که متوکلان باید بر خدا توکل کنند.

(وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ) (۲۳)

وقتی در ابتدای آیه از ورود مؤمنینی که عمل صالح انجام داده‌اند به بهشت سخن گفته می‌شود، خود به خود از گفت‌وگوی شان در لحظه ورود که همان سلام است نیز سخن به عمل می‌آید.

(جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبَسَّ الْقَرَارُ) (۲۹)

وقتی سخن از جهنم به میان می‌آید خیلی طبیعی است که به بد جایگاهی است منتهی شود.

(رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ) (۴۱)
وقتی در دعا سخن از غفران الهی باشد بهترین زمان آن روزی است که حساب برپا می‌شود.

۳-۴. ایغال

ایغال، که از صنعت‌های عظیم‌الشأن بدیع است، آن است که متکلم بخواهد معنای سخنش را پیش از رسیدن به پایان آن کامل کند، سپس وقتی خواست مقطع کلامش را بیاورد لفظی می‌آورد که معنایی افزون بر معنای کلام را بیان کند (ابن ابی‌الاصبح، ۱۳۶۸: ۱۸۵؛ آخوندی، ۱۴۰۲: ۱۸۲). یا معنای کلام قبل از رسیدن به مقطع پایانی اش خاتمه یافته است، اما با مقطعی دیگر بر آن بیفزاید که باعث وضوح و تأکید و یا نیکویی در معنا شود (نصار، ۱۹۹۹: ۱۲۰).

وَخَافٌ وَعِيدٌ) (۱۴)

کلمه «خَافٌ» در جمله فاصله با «خَافٌ»، که در انتهای آیه آمده است، مطابقت دارد.

(وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ) (۲۳)

واژه «فِيهَا» در جمله فاصله با «فِيهَا» در اواخر آیه قبل از فاصله مطابقت دارد.

(يَتَّبِعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ) (۲۷)
واژه «اللَّهُ» در پایان آیه با همین واژه در اواخر آیه هماهنگ است.

(اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ) (۳۲)

«وَسَخَّرَ لَكُمُ» در جمله پایانی آیه با «وَسَخَّرَ لَكُمُ» در جمله قبل از فاصله مطابقت دارد.

۲-۴. توشیح

توشیح آن است که معنای ابتدای کلام بر لفظ پایان آن دلالت کند یا آنکه در آغاز کلام چیزی مقدم شود که دلالت معنایی بر فاصله نماید. توشیح را از آن جهت به این نام خوانند که معنا مانند حمائلی فرود می‌آید، پس ابتدا و انتهای کلام به منزله پهلو و شانه است که حمائل بر آن دو قرار می‌گیرد. تفاوت تصدیر و توشیح در آن است که دلالت تصدیر لفظی و دلالت توشیح معنوی است (ابن ابی‌الاصبح، ۱۳۶۸: ۱۸۴؛ آخوندی، ۱۴۰۲: ۱۷۹). در سوره ابراهیم می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد:

(الَّذِينَ يَسْتَجِيبُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ) (۳)

جمله خبری «الَّذِينَ يَسْتَجِيبُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ» از نظر معنایی دلالت دارد بر اینکه کسی که زندگی دنیا را

به نمونه‌هایی از ایغال در سوره ابراهیم اشاره می‌شود:

(أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ
وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ
بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا
أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ) (۹)

معنای آیه با «وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ» پایان می‌یابد، اما با افزودن «وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ» هم از نظر معنا کامل‌تر شده و هم، از نظر لفظی، پایان آیه با آیات قبل و بعد هماهنگ شده است.

(قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ
عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ
إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ) (۱۱)

معنای آیه با جمله «وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» کامل است، اما با افزودن «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» بر غنای معنا افزوده شده و هماهنگی با فواصل قبل و بعد صورت گرفته است.

(وَلَنَسْكَنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي
وَخَافَ وَعِيدِ) (۱۴)

آیه با «ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي» از نظر معنا کامل بود، ولی با اضافه شدن «وَخَافَ وَعِيدِ» هم معنا کامل‌تر شده و هم هماهنگی فواصل صورت گرفته است.

(يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسَبِّغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا
هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ) (۱۷)

در این آیه هم معنا با «وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ» تمام بود، اما با اضافه شدن «وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ» معنا کامل‌تر شده و فواصل نیز هماهنگ‌تر شدند، به‌ویژه که در آیه قبل نیز «مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ» آمده است.

(وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا
لَكُمْ تَبَعًا فَمَا قَحَطْنَا مِنْكُمْ لَئِن لَمْ يَكُنْ اللَّهُ لَهَدِيْنَاكُمْ لَلْآخِرَةُ لَكُنَّا
أَمَّ حَصْبًا أَهْلِي عَالَمِينَ) (۲۲)

مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ) (۲۱)

جمله «مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ» در این آیه مشمول صنعت ایغال است.

(وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ
وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ
دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تُلْهُمُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرًا أَنفُسِكُمْ مَا أَنَا
بِمُضْرِحِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُضْرِحِي إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ
مِنْ قَبْلِ أَنْ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (۲۲)

جمله «إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» صنعت ایغال در این آیه است.

(وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ
كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ) (۴۵)

جمله «وَ ضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ» به‌خاطر صنعت ایغال افزوده شده است.

۴-۴. تمکین

تمکین که با نام «اتلاف قافیه» و «تناسب اطراف» نیز شناخته می‌شود، عبارت است از آن که متکلم مقدماتی را فراهم آورد که کلام در مقطع خود به‌خوبی پایان پذیرد. درباره آیات نیز آن است که زمینه آیه به گونه‌ای فراهم شود که بخش پایانی آن از نظر معنی تناسب و تعلق کاملی با مضمون آن داشته و به‌خوبی در جایگاه شایسته خود استقرار یابد بدون آنکه ناسازگاری و ناآرامی داشته باشد؛ طوری که اگر حذف شود معنا دچار اختلال و فهم دچار اضطراب می‌شود. همچنین اگر قبل از آن سکوت شود، شنونده با طبع خود آن را کامل نمایند (ابن ابی‌الاصبع، ۱۳۶۸: ۲۲۴؛ آخوندی، ۱۴۰۲: ۱۸۷).

تفاوت تمکین و توشیح آن است که در توشیح معنای فاصله در قسمت قبل از آن آمده، به دیگر سخن، فاصله از همان معنایی است که در قسمت ما قبلش آمده بود، اما در تمکین چنین چیزی نیاز نیست (ابن ابی‌الاصبع، ۱۳۶۸: ۲۲۸). همان‌گونه که ابن حجة

علم معانی به اصول و قواعدی گفته می‌شود که به‌وسیله آنها حالت‌های کلام عرب که مقتضای حال است، شناخته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که سخن با هدف ایراد آن متناسب گردد. محل بحث در این علم این است که «لفظ عرب در جهت افاده معنای ثانوی که مقصود متکلم است». از فواید مهم این علم، که از سوی شیخ عبدالقادر جرجانی وضع شد، شناخت اعجاز قرآن است (هاشمی، ۱۳۷۰: ۴۶-۴۷). برخی صنایع بلاغی دانش معانی در فواصل سورة ابراهیم عبارتند از:

۵-۱. تأکید

تأکید یا توکید مصدر باب تفعیل در لغت به معنای شدت در محکم بودن است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۹۰؛ فخرالدین، ۱۳۷۵: ج ۳: ۸). در بیان معنای اصطلاحی آمده که تأکید تابعی است که معنا را در ذهن مخاطب تثبیت می‌کند و از خطای در تفسیر - به جهت فرض وجود مجازهای متعدد - جلوگیری می‌نماید (ابن‌عیس، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۲۲۲؛ حسن، ۱۳۸۸ق، ج ۳: ۵۰۳؛ شهلی، ۱۳۴۶: ۱۲۶). همچنین گفته شده: «تأکید عبارت است از تثبیت و تمکین یک معنی و مفهوم در ذهن مخاطب و تقویت و تعمیق آن، جهت رفع هرگونه شک و تردید و ابهام نسبت به آن معنا و مفهوم مورد نظر، با بهره‌گیری از ادوات و کلمات و اسلوب‌های خاص بیانی» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۵۵۳).

تأکید در یک دسته‌بندی به تأکید معنوی و تأکید لفظی، که همان تکرار لفظ اول است، تقسیم می‌شود. تأکید با قسم، بدل، عطف، وصف، حروف جر و حروف تأکید از گونه‌های دیگر تأکید است (ربانی، ۱۳۸۲: ۳۲۱-۲۹۶). اکنون به گونه‌شناسی تأکید در فواصل سورة ابراهیم می‌پردازیم:

تأکید به **إِنَّ** و **أَنَّ**: **إِنَّ** و **أَنَّ** از ادوات تأکید هستند که در انتقال مفهوم و تأثیرگفتار نقش بسزایی را ایفا می‌کنند، نمونه‌هایی از تأکید به **إِنَّ** و **أَنَّ** را در فواصل سورة ابراهیم مشاهده می‌کنیم:

(۱) **إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ** (۲۲)

(۲) **فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ** (۳۰)

حموی (۲۰۰۴: ۳۴۱) گفته بیشتر آیات قرآن از نوع تمکین است. از همین رو، بیشتر آیات سورة ابراهیم را نیز می‌توان برای این نوع مثال آورد، اما چند نمونه از آن را ملاحظه می‌کنید:

(الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ) (۱)

این آیه نمونه خوبی برای تمکین در سورة ابراهیم است. وقتی در ابتدای آیه سخن از کتاب قرآن است که خداوند بر پیامبرش نازل کرده، هدف از این نزول نیز مطرح می‌شود که همان خارج ساختن مردم از تاریکی‌های گوناگون به سوی نور است. حال اگر سؤال شود این نور کجاست در پاسخ گفته خواهد شد صراط خدای عزیز و حمید است. چرا عزیز؟ چون او با انزال کتاب آسمانی شکست‌ناپذیری خود را به اثبات رسانده و هیچ کس عذر و بهانه‌ای نخواهد داشت. از همین رو، باید ستایش نیز شود، پس او عزیز حمید است. بنابراین مشاهده می‌شود بهترین عبارتی که در پایان آیه می‌تواند قرار گیرد همین عبارت «إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» است.

(الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ) (۳)

وجه تمکین در این آیه نیز این گونه است که وقتی اشخاصی سه کار زیان‌بار؛ ترجیح دادن زندگی دنیا بر آخرت، سد ساختن راه خدا و کج ساختن آن را انجام می‌دهند، بهترین تعریفی که برای چنین افرادی می‌توان انجام داد، این است که آنان در گمراهی دور و درازی هستند که اگر این گونه نبود این عملکرد را نداشتند. بنابراین می‌بینیم که چگونه این عبارت به بهترین وجه ممکن در پایان آیه جای گرفته است.

برخی خواسته‌اند انحصار این چهار وجه ابن ابی‌الاصحیح را شکسته و بر آن بیفزایند (نک: نصار، ۱۹۹۹م: ۱۲۸)؛ اما نگارنده در مقاله «انحصار یا عدم انحصار بدیعی فواصل آیات؟» به صورت تحلیلی به نقد و رد آن پرداخته است.

۵. صنایع بلاغی فواصل در علم معانی

(۲۲) **وَلْيَذَكِّرُوا وَلُوا الْأَلْبَابِ** (۵۲)

۵-۲. تقدیم و تأخیر

برخی الفاظ در آیات قرآن مقدم یا مؤخر از جایگاه خویش آمده است. این کار، علاوه بر اینکه اصولی و کاملاً نظام‌مند است و بر اعجاز بیانی قرآن کریم دلالت دارد، بر زیبایی اسلوب و شیوایی تعبیر و حسن سبک نیز می‌افزاید و به جهت بُعد بلاغی آن نیز سبب زیبایی و رسایی بیشتر کلام و هماهنگی فواصل آیات می‌گردد. تقدیم و تأخیر از وسیع‌ترین باب‌های فنون بلاغت بوده و در قرآن کریم بسیار گسترده استعمال شده است. با بررسی سوره ابراهیم، تقدیم و تاخیرهای موجود در فواصل در هفت دسته تقسیم‌بندی می‌شود:

- تقدیم مفعول به بر فاعل

(۱) **وَتَعَشَىٰ وَجُوهُهُمْ النَّارُ** (۵۰)

- تقدیم جار و مجرور بر متعلقش یا مسند

(۲) **وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ** (۱۱)

(۳) **وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ** (۱۲)

- تقدیم جار و مجرور بر فاعل و مفعول به

(۴) **وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ** (۳۲)

(۵) **وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ** (۳۳)

(۶) **تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ** (۴۲)

(۷) **وَضَرْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ** (۴۵)

(۸) **لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ** (۴۶)

- تقدیم خبر (شبه جمله) بر مبتدا

(۹) **وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ** (۱۷)

(۱۰) **مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ** (۲۱)

(۱۱) **مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ** (۲۶)

(۱۲) **لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خِلَالَ** (۳۱)

(۱۳) **مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ** (۴۴)

- فاصله افتادن بین اسم و خبر با جار و مجرور

(۳) **فَأِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ** (۳۶)

(۴) **إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ** (۴۷)

(۵) **إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ** (۵۱)

تأکید به **إِنَّ** و **لَام** مزحلقة: **لَام** مزحلقة همان **لَام** ابتدا است که بر سر اسم و خبر **إِنَّ** و **أَنَّ** می‌آید. این نوع از تأکید در پایان آیات ذیل قابل مشاهده است:

(۶) **إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ** (۵)

(۷) **إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ** (۷)

(۸) **فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ** (۸)

(۹) **وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ** (۹)

(۱۰) **إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ** (۲۲)

(۱۱) **إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ** (۳۴)

این جمله مشتمل بر چهار تأکید است: «**إِنَّ**»، «**لَام** مزحلقة یا

لَام تأکید»، صیغه مبالغه «ظلوم» و صیغه مبالغه «کفار» (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳: ۱۹۶؛ درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۱۹۶).

(۱۲) **إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ** (۳۹)

نمونه‌هایی از تأکید با دیگر ادوات: قد، **لَام** قسم، سین و سوف، حصر، نون تأکید ثقیله، ما نافیه، باء بر سر خبر، لکن، الاستفاحیه و...

(۱۳) **وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ** (۱۱)

(۱۴) **وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ** (۱۲)

(۱۵) **لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ** (۱۳)

(۱۶) **ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ** (۱۴) تکرار

خاف.

(۱۷) **وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ** (۲۰)

(۱۸) **مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ** (۲۱)

(۱۹) **مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ** (۲۶)

(۲۰) **مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ** (۴۴)

(۲۱) **لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ** (۴۶)

دُعَاءِ (۴۰)

«وَتَقْبَلُ» نیز برای دعا به کار رفته است.
 هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ
 وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (۵۲)
 «لِيَذَّكَّرَ» فعل امری است که تمنی از آن مستفاد می‌شود.

۴-۵. تمنی و ترجی

تمنی همان درخواست شیء محبوب است که امیدی به آن نمی‌رود و حصولش متوقع نیست و هرگاه درخواست امر محبوبی است که برای به دست آمدنش امیدواری هست، ترجی نامیده می‌شود (هاشمی، ۱۳۷۰: ۱۰۳).

تَوْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ
 لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۵)

«لعل» از ادوات ترجی است که در پایان آیه آمده و امیدواری شده است که مردم متذکر شوند.

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ
 الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ
 تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (۳۷)

۵-۵. مدح و ذم

مدح و ذم از نوع انشاء غیرطلبی است که با صیغه‌های «نعم» و «بس» و مانند آن به کار می‌رود. «بس» در فاصله آیه ذیل آمده است:

جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا وَبَسَّ الْقَرَارُ (۲۹)

اگر چنان که مصطفوی (۱۴۳۰ق، ج ۱۳، ص ۲۲۰) گفته، واژه «ویل» را به معنای بدی حال و ذم و نکوهش شدید در نظر بگیریم در فاصله آیه دوم نیز ذم صورت گرفته است:

اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ
 لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (۲)

۱۴ (وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بَعِزٌ) (۲۰)

۱۵ (إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (۲۲)

۱۶ (تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ) (۲۳)

- فاصله انداختن جار و مجرور بین موصوف و صفت

۱۷ (وَفِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ) (۶)

- نوع دیگری از تقدیم و تأخیر

۱۸ (وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا

فِي السَّمَاءِ) (۳۸) ارض بر سماء مقدم شده است.

۱۹ (وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ) (۹) تأخیر

صفت مفرد بر صفتی که از جار و مجرور به وجود آمده و

جدایی آن از موصوف.

بسیاری از مفسران، در بیشتر موارد، تقدیم و تأخیر در پایان

آیات را به دلایل معنوی مانند اهتمام یا حصر دانسته‌اند، گرچه

نمی‌توان آن را به کلی نفی کرد، اما علت تقدیم و تأخیر در پایان

بسیاری از آیات هماهنگی و رعایت فواصل است.

۳-۵. امر

امر، از انواع جملات انشاء طلبی، عبارت است از طلب حصول فعلی از مخاطب به‌طور آمرانه با التزام به اینکه از او بخواهد آن را انجام دهد (هاشمی، ۱۳۷۰: ص ۷۷). امر در فواصل آیات ذیل مشاهده می‌شود:

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
 يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى
 قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ
 يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۱۰)

فعل امر «فَاتُونَا» در آیه برای تعجیز استفاده شده است.

(وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ
 أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ) (۳۵)

«اجنبني» فعل امری است که برای دعا به کار رفته است.

(رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ

۵-۶. حصر

حصر یا قصر، در اصطلاح، اختصاص دادن چیزی به چیز دیگر با شیوه‌ای مخصوص است (هاشمی، ۱۳۷۰: ۱۷۸) و روشی است بلاغی برای بیان مطلب که در جملات و عبارات پایانی آیات نیز کاربرد دارد. حصر (یا قصر) راه‌های گوناگونی دارد، از جمله مقدم داشتن چیزی که حق آن تأخیر است (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۶۴؛ ابن هشام، ۱۳۶۶: ۱۶۶). این صنعت بلاغی را در فاصله دو آیه ذیل می‌توان مشاهده کرد:

(قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ) (۱۱)
(وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ) (۱۲)

گرچه تقدیم «عَلَى اللَّهِ» بر فعل و فاعل در فاصله این دو آیه می‌تواند برای دلالت بر حصر باشد، اما به نظر می‌رسد این تقدیم به‌خاطر هماهنگی فواصل باشد، هر چند هر دو هدف را هم‌زمان برآورده می‌سازد.

۵-۷. التفات

التفات مصدر باب افتعال از ریشه «لَفَتَ» به معنای «صَرَفَ» یعنی روی برگردانیدن به سوی کسی یا چیزی است. بلاغیان آن را به عنوان یکی از موضوعات علم معانی ذیل مبحث «بیرون بردن کلام از مقتضای ظاهر» آورده و این‌گونه تعریف کرده‌اند: «بیان یک معنی به یکی از راه‌های سه‌گانه تکلم، خطاب و غیبت پس از بیان آن معنی، به یکی دیگر از آن راه‌های سه‌گانه، به‌گونه‌ای که بیان دوم برخلاف مقتضای ظاهر و انتظار مخاطب باشد» (جرجانی، ۱۴۱۱ق: ۱۰). به تعبیر دیگر هرگاه گوینده پس از به‌کارگیری یکی از صیغه‌های سه‌گانه فوق در گفتار خویش به صیغه دیگری منتقل گردد و مرجع هر دو صیغه یک چیز باشد، با یکی از موضوعات علم معانی به نام «التفات» روبه‌رو هستیم (زارعی‌فر، ۱۳۸۸: ۳۱). التفات را

در فواصل آیات ذیل مشاهده می‌کنید:

(۱) (وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِن مَّصِيرِكُمْ إِلَى النَّارِ) (۳۰)

التفات در این آیه از غیبت به خطاب صورت گرفته است.

(۲) (وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ) (۳۴)

در این آیه التفات از خطاب به غیبت صورت گرفته است.

(۳) (رَبَّنَا إِنَّكَ تَعَلَّمَ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ) (۳۸)

در این نیز آیه التفات از خطاب به غیبت صورت گرفته است.

(۴) (وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نَحْبُ دَعْوَتِكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُلَ أُولَمْ تَكُونُوا أَفْسَمْتُمْ مِنْ قَبْلُ مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ) (۴۴)

در این آیه التفات از غیبت به خطاب صورت گرفته است.

۶. صنایع بلاغی فواصل در علم بیان

بیان در لغت به معنای آشکار شدن و هم‌معنی با فصاحت و آسن یعنی زبان‌آوری است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۶۸). در اصطلاح عبارت است از علمی که به واسطه آن می‌توان معنایی که مطابق با مقتضای حال است به روش‌های مختلف - که برخی به‌وضوح بر معنا دلالت دارد و برخی دلالتشان آشکارتر است - بیان نمود (تفتازانی، ۱۳۷۶: ۱۸۳). مقاصد در علم بیان منحصر در سه امر است: تشبیه، مجاز و کنایه. در ادامه به بررسی هر یک از آنها در فواصل آیات سوره ابراهیم می‌پردازیم:

۶-۱. تشبیه

تشبیه از باب‌های مهم علم بیان است که در لغت به معنای «مانند کردن» است و در اصطلاح عبارت است از دلالت داشتن بر

۶-۲. مجاز

مجاز در مقابل حقیقت قرار دارد، یعنی اگر کلمه‌ای در غیر معنای واقعی و مصطلح خود - با وجود قرینه - به کار برده شود، مجاز است (تفتازانی، ۱۳۷۶: ۲۱۸). مجاز به اعتبارات مختلف تقسیم‌بندی‌های متفاوتی دارد، مانند: مرسل و استعاره. مجاز مرسل آن است که لفظ در غیر آنچه برایش وضع شده، «بدون مشابهت» میان معنای نقل شده از آن و معنای به کار رفته، استعمال شود. تفاوت استعاره با مجاز مرسل در وجود مشابهت میان معنای منقول عنه و معنای به کار رفته است. در واقع استعاره همان تشبیه مختصر شده، اما بلیغ‌تر است (هاشمی، ۱۳۷۰: ۲۹۱). برخی معتقدند مجاز با تشبیه در آمیخته و از ترکیب آن دو استعاره به وجود آمده است (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۴۵). طبق این نظر، استعاره مجازی است که علاقه‌اش مشابهت با شد. استعاره نیز به اعتبارات مختلف به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شود؛ حسی، عقلی، اصلی، تبعیه، مُرَشَّحه، مُجَرَّده، مطلق، تحقیقی، مکنیه، تخیلی، تصریحیه، وفاقیه، عنادیه و تمثیلیه.

مجاز و استعاره را در فواصل آیات ذیل می‌توان مشاهده کرد:

(الَّذِينَ يَسْتَجِبُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ
عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ
بَعِيدٍ) (ابراهیم، ۳)

در جمله «أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ» در اسناد بُعد به ضلالت مجاز علقی به کار رفته است، زیرا بُعد در حقیقت برای ضال و گمراه است، چون او از راه دور شده است. بنابراین با فعلش توصیف شده است. همچنین، در ظرف قراردادن ضلالت، مجاز به کار رفته است؛ گویا آنها را احاطه کرده و با تمام وجود آنان را دربرگرفته است و آنان تا چانه در آن غوطه‌ورند (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳: ۱۵۴؛ درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۱۴۳).

(مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ
فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ
الضَّلَالُ الْبَعِيدُ) (ابراهیم، ۱۸)

مشارکت امری با امر دیگر در معنایی (تفتازانی، ۱۳۷۶: ۱۸۸) یا ایجاد هم‌مانندی و همسانی بین دو چیز یا بیشتر در یک صفت یا بیشتر به‌وسیله ادات تشبیه (هاشمی، ۱۳۷۰: ۲۴۷). هدف از کاربرد تشبیه مأنوس ساختن و آرامش دادن به نفس است با خارج کردن آن از حالت خفا به حالت آشکار و روشنی و نزدیک به ذهن تا مفید بیانی باشد (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۳۹). تمثیل نیز زیر مجموعه تشبیه قرار می‌گیرد. تشبیه را در آیات ذیل می‌توان مشاهده کرد:

(أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ
أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ) (ابراهیم، ۲۴)

در این آیه تشبیه تمثیلی به کار رفته است. خدای تعالی، در این تشبیه، درخت را به چهار صفت توصیف، سپس کلمه طیبه را به آن تشبیه نموده است: اول، پاکیزه بودن؛ دوم، ثابت بودن اصل و ریشه؛ سوم، داشتن شاخ و برگ در آسمان؛ چهارم، میوه و ثمر همیشگی. وجه شبه در تمثیل ایمان به درخت این است که درخت درخت نیست جز با سه چیز: ریشه محکم، تنه استوار و شاخه بلند. همین‌گونه است ایمان، جز با سه چیز، تمام نمی‌شود: باور قلبی، گفتار با زبان و عمل با اعضا و جوارح. وجود صفات سه‌گانه در مشبه به حسی است درحالی که در این طرف تشبیه معنوی است (صافی ۱۴۱۸ق: ج ۱۳، ص ۱۸۵). فاصله آیه یعنی «وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» تشبیه آثار سخن پاکیزه به شاخه‌های بلند و سر به آسمان کشیده درخت پاک است.

(وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ
الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ) (ابراهیم، ۲۶)

در این آیه نیز مانند آیه قبل تشبیه تمثیلی به کار رفته و کلمه خبیث به درخت خبیث غیرثابتی تشبیه شده که گویا کنده شده یا روی سطح زمین افتاده است؛ ریشه در اعماق زمین ندارد، بلکه در سطح آن ریشه دوانده است و شاخه‌هایی نیز ندارد که در آسمان بالا رفته باشد (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳: ۱۸۶). «مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ» در فاصله آیه، تشبیه بی‌ریشه بودن سخن خبیث و ناپاک به بی‌ریشه بودن درخت خبیث است.

نتیجه

از آنچه گفته شد، نتایج ذیل حاصل می‌شود:

- فواصل به دلیل اینکه حسن ختام آیات بوده و تأثیرگذاری خاصی در جان شنونده دارد، از حسن و جمالی ویژه برخوردار بوده و تجلی بلاغت قرآن است.
- بلاغت فواصل آیات براساس صنایع بلاغی مطروحه در دانش‌های معانی، بیان و بدیع قابل تبیین و ارائه است.
- فاصله در علم بدیع در چهار گونه تصدیق، توشیح، ایغال و تمکین منحصر می‌شود که در فواصل آیات سوره ابراهیم، ۱۱ مورد «تصدیر»، ۵ مورد «توشیح»، ۷ مورد «ایغال» و در همه آیات سوره «تمکین» مشاهده می‌شود.
- صنایع بلاغی مربوط به علم معانی نیز در فواصل آیات سوره ابراهیم عبارت است از: تأکید در فواصل ۲۲ آیه، تقدیم و تأخیر در ۱۹ آیه، امر در ۴ آیه، تمنی و تجزی در ۲ آیه، ذم در ۲ آیه، حصر در ۲ آیه و التفات نیز در ۴ آیه.
- صنایع بلاغی مربوط به علم بیان منحصر در تشبیه، مجاز و کنایه است که تشبیه در ۲ آیه، مجاز و استعاره در ۴ آیه و کنایه نیز در ۱ آیه در فواصل سوره ابراهیم بررسی شد.
- تبیین و تحلیل صنایع بلاغی فواصل آیات سوره ابراهیم نشان می‌دهد که طرح گسترده و دقیق ابزارهای بلاغی و بیانی موجب شده است تا کلام الهی به بهترین ویژگی‌های بلاغی آراسته و ارائه گردد و بیشترین اثرگذاری را بر مخاطب قرآن بر جای گذارد.

منابع

قرآن کریم
 آخوندی، علی اصغر، ۱۴۰۲، فواصل حسن ختام آیات، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
 آخوندی، علی اصغر، ۱۳۹۵، «بررسی تطبیقی تعاریف فاصله قرآنی»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، (فروغ وحدت)، ۱۱(۴۴)، صص ۸۱-۹۶.

در این آیه نیز مانند آیه قبل، در اسناد ضلالت به بُعد، مجاز عقلی به کار رفته است (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۱۷۵).

(رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ) (ابراهیم، ۴۱)

در فرموده خدای تعالی «يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» استعاره وجود دارد؛ یعنی حساب برپا و ثابت می‌شود و تحقق می‌یابد. استعمال قیام در آنچه ذکر شده یا مجاز مرسل است یا استعاره. از همین قبیل است «قامت الحرب». جایز است تشبیه حساب به مردی که ایستاده است براساس استعاره مکنی و قیام را براساس تخییل برای آن ثابت کردن. اگر مراد ایستادن اهل حساب باشد به حذف مضاف یا اسناد دادن به حساب آنچه برای اهلش هست، مجاز می‌شود (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳: ۲۰۳؛ درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۲۰۱).

(وَقَدْ مَكَرُوا مَكَرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكَرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكَرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ) (ابراهیم، ۴۶)

در جمله پایانی این آیه استعاره تصریحیه آمده است. مکرشان را با گفتن «لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ» برای سختی و شدتش و رسیدن به هدفشان تشبیه کرد. همچنین شریعت، آیات، تعالیم نازل شده و حجت‌های روشنش را به کوه‌ها در استحکامشان و جای‌گیری در جان‌های مؤمنان تشبیه کرد. این از لطیف‌ترین و زیباترین استعارات است (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳: ۲۱۲؛ درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۲۰۹).

۳-۶. کنایه

(يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَمِيئٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ) (ابراهیم، ۱۷)

فرموده خدای تعالی «عَذَابٌ غَلِيظٌ»، که عذاب را به غلظت تو صیغ کرد، کنایه از قدرت و اتصال آن است، زیرا غلظت موجب قدرت می‌شود و متضمن این است که در تمام زمان‌ها به هم متصل باشد و در آن انفصالی نباشد (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳: ۱۷۲؛ درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۱۷۲).

آخوندی، علی اصغر، راد، علی، ۱۳۹۸، «انحصار یا عدم انحصار بدیعی فواصل؟»، پژوهشنامه نقد ادب عربی، ۹ (۱۹)، صص ۷-۳۴.

آخوندی، علی اصغر، ربیعی، محمدرضا، ۱۳۹۹، «بررسی ساختارشناسانه و تحلیل آماری فواصل قرآنی»، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳ (۲)، صص ۵۳-۸۰.

ابن ابی الاصبغ، عبدالعظیم بن الواحد، ۱۳۶۸، بديع القرآن، ترجمه سید علی میر لوحی، مشهد، موسسه چاپ و انتشار آستان قدس رضوی.

ابن عاشور، محمدطاهر، ۱۴۲۰ق، تفسیر التحرير و التنوير المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسة التاريخ العربي.

ابن فارس، احمد، ۱۳۹۹ق، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار الفكر.

ابن معتز، عبدالله، ۱۴۱۰ق، البديع فی البديع، [بیروت]: دار الجيل.

ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: دار صادر.

ابن هشام، جمال الدين، ۱۳۶۶، مغني اللبيب، قم: سیدالشهدا.

ابن یعیش، أبوالبقاء موفق الدين یعیش بن علی، ۱۴۲۲ق، شرح المفصل للزمخشري، بیروت: دار الكتب العلمية.

اتابکی، پرویز، ۱۳۹۱، فرهنگ جامع کاربردی فرزنان عربی - فارسی، تهران: نشر فرزنان روز.

باقلانی، محمد بن طیب، ۱۹۹۷م، اعجاز القرآن، قاهره: دار المعارف.

بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، بی تا، الاعجاز البياني للقرآن و مسائل ابن الازرق دراسة قرآنية و بيانية، دوم، قاهره: دار المعارف.

تفتازانی، سعدالدين، ۱۳۷۶، مختصر المعاني، سوم، قم: دار الفكر.

جرجانی، علی بن محمد، ۱۴۱۱ق، التعريفات، بیروت: دار الكتاب اللبناني.

حسن، عباس، ۱۳۸۸ق، النحو الوافي، چ ۳، مصر: دار المعارف.

حسناوی، محمد، ۱۴۰۶ق، الفاصله فی القرآن، بیروت: المكتب الإسلامي.

حموی، ابوبکر بن علی، ۲۰۰۴م، خزانه الأدب و غایة الأرب، بیروت: دار و مكتبة الهلال، دار البحار.

درویش، محی الدین، ۱۴۱۵ق، اعراب القرآن و بیانه، چ ۴، سوریه - حمص: دارالارشاد.

رازی، محمد بن قیس، ۱۳۸۸، المعجم في معايير اشعار العجم، تهران: علم.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق ندیم مرعشلی، بی جا: دارالکاتب العربی.

ربانی، محمدحسن، ۱۳۸۲، «گونه‌های تأکید در قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، مشهد: دفتر تبلیغات اسلامی خراسان، شماره ۳۵ و ۳۶، صص ۲۹۶-۳۲۱.

رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۷۸، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

رمانی، علی بن عیسی، ۱۳۸۷ق، النکت فی اعجاز القرآن، قاهره: دارالمعارف.

زارعی فر، ابراهیم، 1388، «بلاغت التفات در قرآن کریم»، نشریه صحیفه مبین، شماره ۴۴.

زحیلی، وهبة بن مصطفى، 1418ق، التفسیر المنیر فی العقيدة والشريعة والمنهج، دوم، دمشق: دار الفكر المعاصر.

زرکشی، محمد بن عبدالرحمان، ۱۴۱۵ق، البرهان فی علوم القرآن، بیروت دارالمعرفه.

سیبویه، عمرو بن عثمان، بی تا، کتاب، بی جا.

سیوطی، جلال الدين عبدالرحمن، بی تا، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الجيل.

سیوطی، جلال الدين عبدالرحمن، ۱۳۸۰ش، الاتقان فی علوم القرآن، مترجم: مهدی حائری قزوینی، تهران: امیرکبیر.

شهابی، علی اکبر، ۱۳۴۶، اصول نحو، تهران: دانشگاه تهران.

صافی، محمود، ۱۴۱۸ق، الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و

پژوهشنامه نقد ادب عربی، س ۱۵، ش ۲ (پیاپی ۲۹)، پاییز و زمستان ۱۴۰۳ش

هجرت.
فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۶ق، القاموس المحيط، ج ۸، بیروت: مؤسسة الرسالة.
قیروانی، حسن بن رشیق، ۱۴۰۱ق، العمدة فی محاسن الشعر و آدابه، پنجم. [بیروت؟]: دار الجیل.
مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
نصار، حسین، ۱۹۹۹م، الفواصل، قاهره: مکتبه مصر.
هاشمی، سیداحمد، ۱۳۷۰، جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والبدیع، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
همایی، جلال الدین، ۱۳۶۳، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: توس.

References

The Holy Quran

Akhundi, Ali Asghar, 1402AH, Fawasil hosne khetaame ayaat, Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation.
Akhundi, Ali Asghar, 2016, "A Comparative Study of the Definitions of Quranic Verse Endings," Islamic Denominations Approximation Studies (Forough-e Vahdat), 11(44), 81-96.
Akhundi, Ali Asghar, Rad, Ali, 2019, "Exclusivity or Non-Exclusivity of Rhetorical Devices in Verse Endings?," Journal of Arabic Literary Criticism, 9 (19): 7-34.
Akhundi, Ali Asghar, Rabiei, Mohammad Reza, 2020, "A Structural Study and Statistical Analysis of Quranic Verse Endings," Quran and Hadith Studies, 13(2): 53-80.
Askari, Abu Hilal, 1395 AH (lunar), Furuq al-Lughawiyah [Lexical Differences], translated by Mehdi Kazemian and Zahra Reza Khah, Qom: Tebyyan Information Institute.
Atabaki, Parviz, 2012, Comprehensive Applied Farzan Arabic-Persian Dictionary, Tehran: Farzan Rooz Publishing.
Baqillani, Muhammad ibn al-Tayyib, 1997, I'jaz al-Quran, Cairo: Dar al-Ma'arif.
Bint al-Shati, Aisha Abd al-Rahman, n.d., Al-I'jaz

بیانه مع فوائد نحویة هامة، ج ۴، دمشق: دارالرشید مؤسسه الإمام.
طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی، ج ۵، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
عسکری، ابوهلال، ۱۳۹۵، فروق اللغویه، ترجمه مهدی کاظمیان و زهرا رضا خواه، قم: مؤسسه اطلاع رسانی تبیان.
فاضلی، محمد، ۱۳۸۲، شیوه های بیان قرآن، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
فخرالدین، بن محمد، ۱۳۷۵، مجمع البحرين، ج ۳، تهران: نشر مرتضی.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، کتاب العین. قم: انتشارات al-Bayani lil-Quran wa Masa'il Ibn al-Arzaq Dirasa Qur'aniya wa Bayaniya, 2nd ed., Cairo: Dar al-Ma'arif.
Darwish, Muhyi al-Din, 1995, I'rab al-Quran wa Bayanuhu, 4th ed., Syria - Homs: Dar al-Irshad.
Fazeli, Mohammad, 1382 AH (solar), Shivehha-ye Bayan-e Quran [Methods of Quranic Expression], Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad.
Fakhr al-Din, bin Mohammad, 1375 AH (solar), Majma' al-Bahrain [The Confluence of Two Seas], 3rd ed., Tehran: Nashr-e Mortazavi.
Farahidi, Khalil ibn Ahmad, 1410 AH (lunar), Kitab al-'Ayn [The Book of 'Ayn], Qom: Hijrat Publications.
Firouzabadi, Mohammad ibn Ya'qub, 1426 AH (lunar), Al-Qamus al-Muhit [The Comprehensive Dictionary], 8th ed., Beirut: Mu'assasat al-Risalah.
Hamawi, Abu Bakr ibn Ali, 2004, Khizanat al-Adab wa Ghayat al-Arab, Beirut: Dar wa Maktabat al-Hilal, Dar al-Bahar.
Hassan, Abbas, 1968, Al-Nahw al-Wafi, 3rd ed., Egypt: Dar al-Ma'arif.
Hasnawi, Muhammad, 1985, Al-Fasila fi al-Quran, Beirut: Al-Maktab al-Islami.
Hashemi, Seyyed Ahmad, 1991, Jawahar al-Balagha fi al-Ma'ani wa al-Bayan wa al-Badi', Qom: Publications Center of the Islamic Propagation

- Office, Qom Seminary.
- Homaei, Jalaluddin, 1984, *The Arts of Rhetoric and Literary Techniques*, Tehran: Toos.
- Ibn Abi al-Asba', Abd al-Azim ibn al-Wahid, 1989, *Badi' al-Quran*, translated by Seyyed Ali Mir Louhi, Mashhad, Astan Quds Razavi Printing and Publishing Institute.
- Ibn Ashur, Muhammad al-Tahir, 1999, *Tafsir al-Tahrir wa al-Tanwir al-Ma'ruf bi Tafsir Ibn Ashur*, Beirut: Arab History Foundation.
- Ibn Faris, Ahmad, 1979, *Mu'jam Maqayis al-Lughah*, Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Hisham, Jamal al-Din, 1987, *Mughni al-Labib*, Qom: Sayyid al-Shuhada.
- Ibn al-Mu'tazz, Abdullah, 1989, *Al-Badi' fi al-Badi'*, [Beirut?]: Dar al-Jil.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram, 1994, *Lisan al-Arab*, Beirut: Dar Sader.
- Ibn Ya'ish, Abu al-Baq'a Muwaffaq al-Din Ya'ish ibn Ali, 2001, *Sharh al-Mufasssal lil Zamakhshari*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Jurjani, Ali ibn Muhammad, 1991, *Al-Ta'rifat*, Beirut: Dar al-Kitab al-Lubnani.
- Mustafavi, Hassan, 1981, *The Research on the Words of the Holy Quran*, Tehran: Translation and Publishing Institute.
- Nassar, Hussein, 1999 CE, *Al-Fawasel [The Pauses/Divisions]*, Cairo: Maktabat Misr.
- Qayrawani, Hassan ibn Rashi'q, 1401 AH (lunar), *Al-'Umda fi Mahasin al-Shi'r wa Adabihi [The Support in the Merits and Etiquette of Poetry]*, 5th ed., [Beirut?]: Dar al-Jeel.
- Rabbani, Mohammad Hassan, 1382 AH (solar), "Types of Emphasis in the Quran," *Quranic Researches*, Mashhad: Office of Islamic Propaganda of Khorasan, nos. 35 and 36, pp. 296-321.
- Rezaei Isfahani, Mohammad Ali, 1378 AH (solar), *Tafsir-e Quran-e Mehr [Mehr Quran Commentary]*, Qom: Research Center for Quran Interpretation and Sciences.
- Rommani, Ali ibn Isa, 1387 AH (lunar), *Al-Nukat fi I'jaz al-Quran [Subtleties in the Inimitability of the Quran]*, Cairo: Dar al-Ma'aref.
- Razi, Mohammad ibn Qays, 1388 AH (solar), *Al-Mu'jam fi Ma'ayir Ash'ar al-'Ajam [The Dictionary of Standards for Persian Poetry]*, Tehran: Elm Publications.
- Ragheb Isfahani, Hussein ibn Mohammad, n.d., *Mufradat Alfaz al-Quran [Vocabulary of the Words of the Quran]*, edited by Nadim Marashli, n.p.: Dar al-Kateb al-Arabi.
- Safi, Mahmoud, 1418 AH (lunar), *Al-Jadwal fi I'rab al-Quran wa Sarfih wa Bayanih ma'a Fawa'id Nahwiyah Hammah [The Table in the Parsing, Morphology, and Elucidation of the Quran with Important Grammatical Benefits]*, 4th ed., Damascus: Dar al-Rashid, Mu'assasat al-Iman.
- Shahabi, Ali Akbar, 1346 AH (solar), *Usul-e Nahw [Principles of Grammar]*, Tehran: Tehran University Press.
- Sibawayh, Amr ibn Uthman, n.d., *Al-Kitab [The Book]*, n.p.
- Suyuti, Jalal al-Din Abdul Rahman, n.d., *Al-Itqan fi Ulum al-Quran [The Precision in Quranic Sciences]*, Beirut: Dar al-Jeel.
- Suyuti, Jalal al-Din Abdul Rahman, 1380 AH (solar), *Al-Itqan fi Ulum al-Quran [The Precision in Quranic Sciences]*, translated by Mehdi Haeri Qazvini, Tehran: Amir Kabir Publications.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, 1374 AH (solar), *Tafsir al-Mizan [Al-Mizan Commentary]*, translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi, 5th ed., Tehran: Allameh Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation.
- Taftazani, Sa'd al-Din, 1997, *Mukhtasar al-Ma'ani*, 3rd ed., Qom: Dar al-Fikr.
- Zuhaili, Wahba bin Mustafa, 1418 AH (lunar), *Al-Tafsir al-Munir fi al-'Aqidah wa al-Shari'ah wa al-Manhaj [The Luminous Commentary on Creed, Law, and Methodology]*, 2nd ed., Damascus: Dar al-Fikr al-Mu'aser.
- Zarkashi, Mohammad bin Abdul Rahman, 1415 AH (lunar), *Al-Burhan fi Ulum al-Quran [The Proof in Quranic Sciences]*, Beirut: Dar al-Ma'arefah.
- Zarei-Far, Ebrahim, 1388 AH (solar), "The Rhetoric of Iltifat in the Holy Quran," *Sahifeh Mobin Journal*, no. 44.